

نظریه نظم اجتماعی تالکوت پارسونز و تطابق آن با نظم در سیره مدیریتی پیامبر اکرم

فاطمه متوسلی^۱

چکیده

دستیابی به اهداف مستلزم پیروی از مجموعه‌ای از بایسته‌هاست، و البته میزان التزام و پایبندی به آنها در طول مسیر تعیین کننده میزان موفقیت در رسیدن به مقصود است. نظم از جمله عناصر اجتناب‌ناپذیر، و چه بسا نقشه راه رسیدن به آرمان‌هاست. فارق از توصیه اکید کلام وحی، انبیاء و اولیاء الهی، اهل خرد نیز بر اهمیت نظم، منطبق با ارزش‌ها و باورها، و تأثیر آن بر تمامی شئون زندگی، اعم از فردی یا اجتماعی، بعنوان قاعده‌ای کلی، همچنین سامان دهنده بینش، منش و کنش افراد اذعان کرده‌اند. همچون نظم در نظام هستی، از نظر آنان روابط انسانی متأثر از ارزش‌های مشترک در یک مجموعه، شرط مسلم رسیدن به نظم اجتماعی در سایه توجهات مدیری توانمند می‌باشد. در پژوهش پیش‌رو پژوهشگر قصد دارد به روش کتابخانه‌ای، با رویکرد اجتماعی و با استعانت از نظریات اندیشمندان، و تمرکز عمده بر نظریه نظم اجتماعی ارائه شده تالکوت پارسونز، پس از مروری اجمالی بر سیره فردی و اجتماعی نبی اکرم، و شرح احوالات مردم سرزمین عربستان، شیوه مدیریتی آن حضرت، همچنین میزان موفقیت ایشان را در بنیاد نهادن جامعه‌ای نوین با پیروی از عنصر نظم به آزمون بگذارد. بنابراین سوال پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که تا چه میزان پیام‌آور توحید توانستند با تلاش برای نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی و جایگزینی آن با آنچه پیش از آن در میان مردم آن دیار مرسوم بود، به همسو کردن آرمان‌های تازه مسلمانان توفیق یافته و در نتیجه به نظم اجتماعی دست یابند.

واژگان کلیدی: نظم اجتماعی، ارزش‌ها و باورها، نقش مدیر، سیره مدیریتی پیامبر اکرم

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه تهران Mfmotevasseli.40@ut.ac.ir

مقدمه

خلق جهان براساس قاعده نظم با درک ارتباط و انسجام میان پدیده‌ها اعم از درونی یا بیرونی - درون یک جزء یا مجموعه و یا میان عناصر و مجموعه‌های گوناگون بر کسی پوشیده نیست. انسان، در مفهوم عام، لزوم پیروی از نظم را در پیشبرد اهداف فردی و اجتماعی، به منظور بهره‌مندی هرچه بهتر از ابعاد گوناگون زندگی به روشنی دریافته و با استفاده از قدرت عقل و اندیشه و البته متأثر از ارزش‌ها و باورها سعی در یافتن مناسب‌ترین و کارآمدترین الگوی نظم داشته است. این مهم با بررسی تاریخ جوامع در اعصار گوناگون، به ویژه با مطالعه تاریخ اجتماعی آنان و قوانین و ضوابط وضع شده، مختص هر جامعه دریافت می‌شود؛ سپس با بررسی دقیق‌تر قوانین و ضوابط و ارزیابی ثبات و پایداری و دوام رشد و شکوفایی هر حکومت به میزان موفقیت و کامیابی جامعه موردنظر در تدوین برنامه‌ای منظم در نتیجه تبعیت و البته وفاداری به برنامه‌ها پی خواهیم برد. حاصل اینکه هرچه میزان پایبندی به عنصر نظم در چپش برنامه‌ها و قوانین، همچنین التزام به آن در طول دوران بیشتر باشد، جامعه مذکور از پویایی، ماندگاری و البته رضایتمندی بیشتری برخوردار خواهد بود؛ برکسی پوشیده نیست که ریشه نظم در اجتماع منتج از نظم در زندگی فردی می‌باشد. به دیگر سخن تنها در صورتی آثار نظم در جامعه‌ای نمود خواهد یافت که حداکثر افراد آن جامعه تابع باور و ارزش‌های مشترکی بوده، و نظم برخاسته از ارزش‌ها در زندگی فردی ایشان نهادینه شده باشد.

۳۸

اما آنچه به ویژه در اندیشه اسلامی حائز اهمیت است، نقش مدیر و نحوه مدیریت او در برنامه‌ریزی، یکسان-سازی، سازماندهی و استفاده از منابع و امکانات و در یک کلام چگونگی هدایت و کنترل مجموعه می‌باشد (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۵). آنچه‌آنکه پیامبر اسلام مردم را به اطاعت از حاکمان الهی توصیه فرمودند و آن را موجب برقراری نظم در امت اسلامی دانستند (لطفی، ۱۳۸۹). همچنین حضرت علی (ع) مدیر را به ستون میانی آسیاب تشبیه کرده و استواری او را در درستی پیمودن مسیر توسط اعضاء شرط لازم می‌دانند (همان). به علاوه ایشان در حکمت ۲۵۲ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: "خداوند «امامت»، را برای سازمان یافتن امور امت و «فرمانبرداری از امام» را برای بزرگداشت مقام رهبری واجب کرد" (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱). از مجموع گفته‌ها اینگونه می‌توان استنتاج کرد که میزان موفقیت در دستیابی به اهداف با میزان توانمندی مدیر در ایجاد نظم و شیوه هدایت، کنترل و برقراری ارتباط و انسجام میان اعضاء و برنامه‌ها، منطبق با باورها، ارتباط مستقیم دارد. چگونگی ایجاد نظم اجتماعی و رویکردهای بکار گرفته شده به منظور تداوم آن، دو اصل بنیادی در برقراری نظم اجتماعی است و همواره مورد سوال بوده است (یوسف‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۰). علم به پیشینه جامعه عربستان، ساختار قبیله‌ای و عدم وجود دولتی منسجم، تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر براساس آموزه‌های دین مبین اسلام، یا به عبارتی چگونگی برقراری نظم در جامعه نوپای مدینه مسأله پژوهش پیش‌رو می‌باشد و اما آنچه وجه تمایز این پژوهش با دیگر آثار می‌باشد، علیرغم شمار بسیار پژوهش‌هایی که در باب

نظم در سیره پیامبر اکرم و البته با عناوین مختلف صورت گرفته، بررسی نظم و نحوه اجرای آن در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی، توسط پیام‌آور وحی، سپس ارزیابی آن با توجه به نظریه اندیشه‌پردازان غربی به ویژه تالکوت پارسونز می‌باشد.

۱- چارچوب نظری

تالکوت پارسونز، جامعه‌شناس آمریکایی قرن بیست، متأثر از نظریه ماکس وبر و تأکید او بر تأثیر باورها و ارزش‌ها بر اقدامات شخص اعم از اخلاقی، اجتماعی یا حتی اقتصادی و نه براساس منافع جمع، مفهوم کنش اجتماعی خویش را تبیین کرد. او همچنین با بهره‌گیری از مفهوم «وجدان جمعی» دورکیم به اهمیت نظم اجتماعی برآمده از ارزش‌های مشترک اجتماعی براساس عقل و فارق از منافع شخصی پی‌برد (محبوبی-منش، ۱۳۹۱: ۱۵۷). از این‌رو نظریه کنش اجتماعی اراده شده توسط پارسونز بگونه‌ای، تلفیقی از نظریات اندیشمندان بزرگی همچون، دورکیم، وبر، پارتو و مارشال، همچنین مکتب فکری آلمان مبنی بر کنش هم‌سو با ارزش‌ها و باورها می‌باشد. لذا از منظر این اندیشمندان و سپس از جمع‌بندی یافته‌های ایشان توسط پارسونز اینگونه استنباط می‌شود که ارزش‌ها و باورهای شخص بعنوان قاعده‌ای کلی اهداف او را سازمان داده و کنش‌ها، بعنوان اقدامی آگاهانه، بر مبنای آن شکل می‌گیرند (همان، ۱۵۹).

۳۹

علاوه بر این، پارسونز بعنوان اصلی‌ترین پایه‌گذار اندیشه کارکردگرایی ساختاری، معتقد است جامعه متشکل از عناصری ضروری است که هر یک در جایگاهی ویژه و در راستای نیازهای اجتماعی در مجموعه فعالیت دارند و کیفیت پدیده‌های اجتماعی حاصل از این کارکردها با بررسی چگونگی ساختار جامعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بر این اساس در نظام اجتماعی موردنظر پارسونز عوامل و افراد همچون اعضای بدن انسان به صورت پیوسته و منسجم و به منظور بقای کل سیستم و دستیابی به نیازهای مجموعه در حال فعالیت می‌باشند و نتیجه حاصل از این تعامل و تعادل میان اجزاء، نظم اجتماعی می‌باشد (مقتدایی، ۱۳۹۳: ۷۸).

در واقع، هدف پارسونز از ارائه نظریه کنش اجتماعی و تحلیل آن تبیین مسأله نظم اجتماعی است. او بعنوان پایه‌گذار نظریه جامعه‌شناسی نظم، برخلاف فلاسفه پیشین خود مانند جان لاک، ژان-ژاک روسو و تامس هابز که کنش انسانی را نشأت گرفته از منافع شخصی می‌دانستند، بر این باور بود که آنچه نهایتاً منجر به نظم در کنش اجتماعی می‌شود نه منافع شخصی، بلکه اصول و ارزش‌های مشترک جمعی است؛ هر چند از دیدگاه او نظم اجتماعی ناگزیر از تقابل میان منافع کنش‌گران یک اجتماع است. بر همین اساس پارسونز معتقد است که دستیابی به نظم در جامعه مستلزم درونی و نهادینه شدن ارزش‌ها، به ویژه مذهب، در افراد و متعاقباً درون جامعه می‌باشد (محبوبی‌منش، پیشین: ۱۶۷-۱۶۵).

۲- مفهوم نظم

واژه نظم در لغت به مفهوم آراستن، برپا کردن و مرتب نمودن می‌باشد، همچنین نظم به برقراری پیوند میان دو چیز گفته می‌شود (شیخیان، ۱۳۸۷). به دیگر سخن، می‌توان نظم را حاصل قرارگیری هر جزء در مقری ویژه و یا از پیش تعیین شده و البته براساس معیاری مشخص دانست (محبوبی‌منش، پیشین: ۱۶۷). تعریف اخیر نظم در تبیین مفهوم آن در اجتماع بگونه‌ای با تعریف کنش اجتماعی مدنظر پارسونز و تأکید او بر نقش باورها و ارزش‌ها مطابقت دارد، به این معنی که نظم در اجتماع یعنی قرارگیری و استقرار هر فرد در جایگاه مختص به خود و عمل براساس باورها و اعتقادات، همچنین هم‌سویی افراد، به سبب نهادینه شدن ارزش‌ها با اهداف جامعه، پس می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد: هماهنگی میان کنش‌ها و اهداف در جامعه را نظم اجتماعی می‌گویند. افزون بر این، پارسونز معتقد است نظم درونی جامعه پس از نهادینه شدن ارزش‌ها در شخصیت افراد موجب ادغام و هماهنگی میان منافع فرد و جامعه می‌شود و از سویی این هماهنگی به معنای عدم تضاد میان نظم اجتماعی و آزادی عمل فردی نیست (همان، ۱۸۹). در این صورت نه تنها دستیابی به نظم در جامعه مانع آزادی عمل فرد نمی‌شود بلکه به موجب ارزش‌های نهادینه شده در تک‌تک افراد و متعاقباً در اجتماع آنچه حاصل می‌شود نظم اجتماعی برآمده از کارکرد همه افراد اجتماع است.

همانگونه که پیشتر نیز به آن اشاره شد تعلیم و تفهیم ارزش‌ها و باورها به منظور تبیین اهداف، قرارگیری هر یک از اعضاء در جایگاهی ویژه و شناساندن نقش هر یک، سپس تلاش در راستای ایجاد هماهنگی میان باورها و کنش‌ها، حضور مدیری کاردان را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، چراکه میزان موفقیت در دستیابی به اهداف کاملاً به میزان توانمندی مدیر در هدایت و کنترل افراد یک مجموعه و برقراری تناسب میان توانمندی‌های هر فرد با مسئولیت‌های محول شده به او، سپس سازماندهی، نظارت و ارزیابی عملکردها بستگی دارد (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، پیشین). پیش از آنکه روند اقدامات نبی‌اکرم در راستای برقراری نظم در جامعه مورد بررسی قرار گیرد، باتوجه به اهمیت نقش مدیر و اقدامات او براساس جهان‌بینی و منطبق با ارزش‌ها و باورها بعنوان روشن‌گر مسیر و معیار عملکردی متناسب (جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۰۲)، لزوم مروری اجمالی بر سیره فردی ایشان را ناگزیر می‌نماید.

۲-۱- نظم در سیره فردی حضرت محمد (ص)

امام حسین (ع) از قول پدر گرامی‌شان نقل می‌کنند که رسول اکرم هرگاه به خانه باز می‌گشتند اوقات خود را به سه قسمت تقسیم می‌کردند، بخشی را به عبادت، قسمتی را به خانواده و زمانی را به خود اختصاص می‌دادند و البته باز آن سهمی که مختص به خودشان بود را با یاران‌شان به اشتراک گذاشته و به امور ایشان می‌پرداختند. سخنان آنها را می‌شنیدند، نیازشان را برآورده می‌کردند و هم از طریق آنها از اوضاع مطلع شده

و یا پیام خویش را به گوش دیگران می‌رساندند (علامه طباطبایی، بی‌تا: ۱۹؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۴۶)؛ مگر در عبودیت و کاری بنابر مصلحت زمانی از ایشان سپری نمی‌شد. در عین حضور در جمع، گوشه‌نشینی برای تفکر را نیز دوست می‌داشتند. آنچنانکه از فحوای سخنان امام حسن مجتبی (ع) برطبق شنیده‌های ایشان از قول علی (ع) بر می‌آید، حضرت محمد جزء برای تألیف قلوب و یاری مردم سخن نمی‌گفتند، مردم را به نیکی‌ها تشویق و از بدی برحذر می‌داشتند. میانه‌روی در هر کار خطمشی ایشان بود و احکام الهی و حق، تعیین کننده این خطمشی، لذا خیرخواه‌ترین و عادل‌ترین افراد نزد ایشان گرامی‌ترین بودند. مطابق روایات بسیار ایشان مصداق بارز اخلاق قرآنی بودند، هرگز کسی را با القاب زشت خطاب نمی‌کردند، و مورد سرزنش قرار نمی‌دادند. برخلاف آنچه در دوره جاهلیت و میان اعراب مرسوم بود، حضرت محمد علیرغم بی‌مهری‌ها و اجحافات که در موردشان روا می‌شد هرگز برای مسائل شخصی از کسی انتقام نگرفتند، جز در مواردی که حقی الهی ضایع می‌گشت (همان، ۱۵۳).

نبی‌اکرم اعتدال و میانه‌روی را در اعمال و رفتار سرلوحه خویش قرار داده، در عین بخشندگی از اسراف پرهیز می‌کردند، در خوردن و نوشیدن زیاده‌روی نکرده، آب را یک جرعه سر نمی‌کشیدند، و کسی را بر دیگری مقدم نمی‌داشتند مگر به سبب فزونی ایمان و تقوا؛ فقیر و غنی در نظر ایشان یکسان بود. همچنین به منظور رعایت در عدم تمایز میان یاران‌شان به سویه به آنان نگاه می‌کردند، در بازگرداندن امانت به صاحب مال ۴۱ نهایت دقت را داشتند، هرچند به میزان نخ و سوزنی باشد (علامه طباطبایی، پیشین: ۴۱-۳۷).

در مورد اموالی هم که به دست پیامبر می‌رسید حق‌گرا و میانه‌رو بودند، هرگز بیش از مقدار مورد نیاز با خود به خانه نمی‌بردند، مازاد را میان نیازمندان تقسیم می‌کردند. چه‌بسا در مقابل درخواست مساکین از بخشش اموالی که برای خود در نظر گرفته بودند دریغ نمی‌کردند، تا جائیکه نقل شده، اگر به طریقی مالی کسب نمی‌کردند خود نیازمند می‌شدند (همان، ۳۱).

مطابق آنچه در منابع در مورد ظاهر حضرت محمد ذکر شده است، ایشان همواره در جمع خانواده و هم در میان یاران ظاهری آراسته داشتند با موهایی شانه کرده و مرتب و با نگاه به آب و آینه از آراستگی خود اطمینان حاصل می‌کردند، همچنین مسلمانان را به پاکیزگی بدن و زدودن بوی بد با حمام کردن و استعمال عطر توصیه می‌کردند، چراکه عدم رعایت نظافت را باعث آزار هم‌نشینان و در نتیجه موجب دشمنی خداوند می‌دانستند (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۶). رسول اسلام از انجام امور شخصی هیچ ابایی نداشتند، خود در صورت لزوم لباس خود را وصله زده و یا کفش‌های خویش را تعمیر می‌کردند، گوسفندان را دوشیده و آنچه را که نیاز داشتند از بازار تهیه می‌کردند.

پیشوای مسلمین حتی در انجام اعمال عبادی جانب اعتدال را رعایت می‌کردند. خود اعمال خویش را اینگونه توصیف می‌کنند: «من هم نماز می‌خوانم، روزه می‌گیرم، می‌خورم، می‌خوابم، گریه می‌کنم و می‌خندم.» رسول اکرم نتیجه افراط در عبادت را گرویدن به سستی دانسته و می‌فرمودند در عبادت از من پیروی کنید چه در غیر این صورت به گمراهی خواهید افتاد (علامه طباطبایی، پیشین: ۳۲). مطابق روایات زمانی که حضرت محمد به رسالت مبعوث شدند برای مدتی مدام روزه بودند، پس از آن یک روز در میان روزه می‌گرفتند و سپس شیوه ایشان تا پایان عمر به این صورت بود که پنجشنبه ابتدا و انتهای ماه و اولین چهارشنبه دهه دوم ماه را روزه بودند (قمی، ۱۳۸۶: ۴۴). حضرت علی (ع) نیز در توصیف ویژگی‌های پیامبر اکرم می‌فرمودند: «... نمازش در عین تمامیت از نماز همه مردم سبک‌تر، خطبه‌اش از همه کوتاه‌تر و از بیهوده‌گویی برکنار بود. چون از راه می‌رسید از بوی خوشش شناخته می‌شد...» (علامه طباطبایی، پیشین: ۳۶-۳۵).

همانگونه که در توصیف سیره فردی ایشان بیان شد، ملاک و معیار پیامبر قرآن و پیروی از حق در همه امور و عدم تخطی از ارزش‌ها، هرگونه افراط و تفریط، الگو و روشن‌گر مسیر حرکت ایشان بود و پایبندی و تعهد به باورها و اصول دین نشانگر حضور نظم در برنامه ایشان بود، تا جائیکه نه تنها سنت نبی اکرم در کنار قرآن رهنمون راه یاران و نزدیکان‌شان، کسانی که به درستی ارزش‌های ایشان را دریافته بودند، نمود داشت بلکه مادام دیگران را نیز به تبعیت از آن سفارش می‌کردند. بعنوان نمونه همسر شخصی به نام ابودرداء از تداوم شب زنده‌داری برای عبادت و روزه‌داری او نزد سلمان شکایت می‌کند، سلمان که شب در خانه آنان مهمان بود، مانع ادای نماز او شب می‌شود و روزه‌اش را با اصرار می‌گشاید. هنگامی که ابودرداء به خدمت رسول خدا می‌رسد، پیامبر به او می‌فرمایند: «عویمر، سلمان از تو داناتر است، چندان با شتاب متاز که نفست قطع شود و چندان آرام مران که دیگران از تو پیشی گیرند، میانه‌رو و همراه مسافران باش...».

۲-۲- نظم در سیره اجتماعی رسول اکرم

سرانجام حضرت محمد، مؤدب به آداب الهی، و عمل‌کننده براساس موازین حق، به مقام رسالت برگزیده شده، مأمور به ابلاغ پیام خداوند به مردم جزیره‌العرب، سپس جهان و جهانیان، شدند. مردم سرزمینی که مولای اول شیعیان آنان را اینگونه توصیف فرمودند: دیر زمانی بود که هیچ پیامبری مأمور به روشننگری نشده بود، تا آنها را که به خواب عمیق جهالت فرو رفته بودند بیدار کند، و از فتنه و فساد برهاند. زبانه‌های انتقام‌جویی و جنگ آنان را در خود ربوده و ریشه‌های انسانیت و الفت را خشکانده بود، او زمانی مبعوث شد که دل‌ها مالامال از ترس و اضطراب بود. پیامبران سلف و صدق صحف آنان را تأیید کرده و به پشتوانه نور الهی، قرآن، مسئولیت هدایت مردم را برعهده گرفت (علی‌بن‌ابیطالب، پیشین: خطبه ۱۶۰-۱۵۸). پیام‌آور گراندقدر اسلام، پرورش یافته در والاترین جایگاه و برترین خانواده، راهنمایی‌کننده به حق و خود جلودار

مسیر راستی و درستی بود، لذا حضرت علی(ع) می‌فرمایند نه پیشی گرفتن از او جایز است و نه عقب ماندن از او، رستگاران رهروان راه اویند. چه او با طمأنینه سخن می‌گفت، سخن گفتن‌اش عین خیرخواهی بود، دعوت او به حق و بشارت دهنده نیکوکاران به بهشت بود و همزمان بدکاران را از آتش دوزخ برحذر می‌داشت (همان، خطبه‌های ۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۶۲).

نظم زیربنای زندگی فردی پیامبر، زمانی که ایشان به مقام رسالت رسیدند و وظیفه هدایت بشر را برعهده گرفتند در تمامی مراحل جلوه‌گر شد. سبک و سیاق زندگی ایشان در رفتار و گفتار و تفاوت عمده آن با شیوه دیگر مردمان از نظرها پنهان نمانده بود، لذا به محمد امین شهرت یافتند، و در سنین جوانی سخن ایشان در مجامع مشورتی و در رفع اختلاف‌نظرها سندیت داشت. براساس آنچه پیش‌تر در مرور و بررسی سیره فردی نبی‌اکرم به آن اشاره شد، برنامه‌ریزی مشخصه اولیه و بنیادی نظم، منش آن حضرت بود که در دوره‌های پیش‌رو و در سیره اجتماعی، اعم از مسائل کلی، اصل هدایت و رهبری امت، هم در مسائل جزئی، در تصمیم‌گیری در باب موضوعات گوناگون همواره اصلی اساسی بود. معیار این برنامه‌ریزی جزء مطابقت با ارزش‌ها نبود، وحی پشتوانه پیامبر در امر خطیر رسالت بود. بنابراین لازمه هدایت مردم و تلاش برای روشنگری آنان در جهت دستیابی به این هدف در وهله اول مستلزم آشنا کردن آنان با این ارزش‌ها بود. چراکه برابر آنچه در نظریه نظم اجتماعی مطرح شد، تبعیت از ارزش‌ها و باورهای مشترک، بطور ویژه مذهب، ۴۳ پدید آورنده نظم اجتماعی است. چه در این صورت است که اعضاء جامعه بر یکدیگر رشک نخواهند برد و بر سر دنیا و مسائل دنیوی با هم دشمنی و تعارض نخواهند داشت، دل‌هایشان متوجه حق است، و در راستای هدف مشترک و والای خود منسجم و یکپارچه گام بر می‌دارند، و اگرچه تعدادشان کم باشد به سبب ایمان و تعهد به آن تا حد گذشتن از جان، پیروز میدان خواهند بود (ابن‌خلدون(ب)، ۱۳۷۵: ۳۰۲).

اما آنچه بیش از هر چیز نمایان‌گر نظم در سیره رسول اکرم است، علاوه بر اصل دعوت که در مراحل مختلف صورت پذیرفت، نحوه برخورد آن حضرت با اقشار مختلف در حین دعوت و حتی تفاوت در روش ایشان در دوران مکی با دوران مدنی می‌باشد. براساس آنچه در منابع ذکر شده است، پس از آنکه نبی اسلام، حدوداً در ۴۰ سالگی به مقام رسالت مبعوث شدند، شبانه‌روز، به صورت مخفیانه یا آشکارا به مدت ۳ سال، ضمن ابلاغ وحی و خلوت‌گزینی‌ها در غار حراء، توانستند دل‌های گروهی از مردم را به نور الهی روشن کرده، آنان را با خود همراه سازند. (طبری، ۱۳۷۵: ۹۸۷). ابن‌خلدون می‌گوید مردم گروه‌گروه به خدای محمد ایمان آورده، برای ادای فریضه نماز به همراه او به دل کوه پناه می‌بردند (ابن‌خلدون(الف)، ۱۳۶۳: ۴۹۳). بنا به روایت ابن‌هشام قریش از ابتدا از این امر آگاه بوده و با تمسخر می‌گفتند: «محمد از آسمان سخن می‌گوید» (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۳۵۵). اما با افزایش تعداد نفرات گرونده به آئین توحیدی بر نگرانی آنان افزوده شد، لذا پیامبر

بر آن شدند تا به منظور تداوم دعوت و ممانعت از کارشکنی قریش مکانی را دور از مرکز شهر، خانه ارقم بن ابی ارقم، یکی از ده نفر اول مسلمانان، در دامنه کوه صفا، بعنوان پایگاه برگزینند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۷۸۵). در این مکان جلساتی به منظور آموزش قرآن و تربیت مربیان و مبلغان دینی برگزار می‌شد تا ضمن ابلاغ پیام الهی به دل‌های آماده آنان را با آئین اسلام آشنا سازند. در همین خانه تعداد زیادی اسلام را پذیرفتند. از فحوای اولین سوره‌هایی که در آغاز بعثت نازل شده، از جمله حمد، مزمل و مدثر، می‌توان تا حدی به محتوای اصول اولیه‌ای که پیامبر با نخستین گروندگان به اسلام در میان می‌گذاشتند، از جمله توصیه به تزکیه نفس و تداوم عبادت و ذکر با هدف آماده شدن برای روزگار سختی که در پیش‌رو داشتند، پی برد (زرگری-نژاد، ۱۳۷۸: ۲۸۹).

سرانجام پس از سه سال حضرت محمد، مأمور به دعوت همگانی شدند، در این مرحله با نزول آیات ۲۱۴ تا ۲۱۶ سوره شعراء پیامبر مأمور به اعلان رسالت در میان خویشان شدند، لذا با همراهی علی بن ابیطالب (ع) مهمانی ترتیب داده و بزرگان قریش را از محتوای رسالت خویش آگاه فرمودند و از آنان خواستند که بت پرستی را رها کرده و به خدای یگانه ایمان آورند و ایشان را در این امر یاری رسانند. پیامبر از رسوم قبیله‌ای آگاهی کامل داشتند و می‌دانستند که در صورت تأیید روسای قبایل و سران، توده‌های مردم به ایشان خواهند پیوست و در غیر این صورت با دشواری‌های بسیاری مواجه خواهند شد. عدم پذیرش بشارت و انذار توسط اقریبین و حتی تمسخر پیام‌آور وحی و برهم زدن مجلس صحه‌ای بود بر نگرانی پیشین برگزید خدا و اینکه تا آن زمان هیچیک از خویشان پیامبر به جزء حضرت علی (ع) ایمان نیاورده بودند، این امر از محتوای "حدیث یوم‌الدار" و در میان گذاشتن امر دعوت با حضرت علی (ع) دریافت می‌شود (همان، ۲۶۱). اما حضرت علی (ع) همچنان که از ابتدای طفولیت در کنار پیامبر پرورش یافته بودند، در هر مرتبه درخواست برای همراهی و پشتیبانی، اعلام آمادگی کرده و دست یاری به فرستاده خدا دادند. لذا نبی اکرم به دلیل جامعیت برنامه هدایت و لزوم تداوم آن در همان مجلس و البته در مراحل دیگر پس از دعوت به یکتا پرستی و انذار از عذاب الهی علی بن ابیطالب (ع) را بعنوان برادر، وصی و جانشین خود معرفی نمودند (طبری، پیشین: ۸۶۶).

پس از انذار عشیره اقریبین پیامبر در مجامع گوناگون و به طرق مختلف مردم را به توحید دعوت می‌کردند، و آنان را از پرستش بت‌ها باز می‌داشتند. ذکر مراتب گوناگون دعوت نه به معنای عدم پیوستگی میان آنها و یا توقف و تغییر در برنامه، که به سبب تفاوت در شیوه اجرا با در نظر گرفتن شرایط و البته ویژگی مخاطبان و میزان و نحوه پذیرش آنان، و به جهت دستیابی به موفقیت بیشتر بود. بعنوان مثال دوره سه ساله‌ای که در منابع از آن با عناوین مختلف یاد می‌کنند از جمله دوره مخفی، دعوت محدود و یا فردی، به سبب دور ماندن از آزار مشرکین و سخت‌گیری آنان بر تازه مسلمانان اینگونه نام‌گذاری شده است، چه بسا در غیر این صورت و در مراحل آغازین که فقط عده محدودی ایمان آورده و دعوت پیامبر را پذیرفته بودند، هرگز فرصت بالندگی

برای اسلام فراهم نمی‌شد. ضمن آنکه براساس برخی از آیات و زمان نزول آنان در اوایل بعثت و با استناد به مراجع تاریخی و البته به تواتر بیان شده است دعوت هرگز صورت مخفیانه نداشته است، چراکه مردم شاهد نماز خواندن "محمد بن عبدالله" و یاران‌اش بوده‌اند، بلکه هدف پیامبر و تدبیر ایشان از دعوت فردی و به صورت محدود علاوه بر در امان ماندن از اهانت‌ها و آزار مشرکین، جذب کسانی بود که آمادگی بیشتری داشتند تا ایشان را در این امر در مراحل بعدی یاری رسانند (الویری، ۱۳۸۷: ۲۱).

در دوره‌ای که مشهور است به دوره دعوت علنی یا آشکار و نقطه آغازین آن نزول آیه دعوت از خویشان نزدیک، تعداد مسلمانان افزایش یافته بود، آنان برای انجام فرایض دینی به همراه پیامبر به دره‌های اطراف مکه می‌رفتند، و در جلساتی که به صورت مخفیانه در خانه ارقم بن ابی ارقم، برای آموزش قرآن و تربیت مربیان و مبلغان دینی برگزار می‌شد جمع می‌شدند. گفته می‌شود که در همین مکان تعداد قابل توجهی اسلام را پذیرفتند (طبری، پیشین: ۸۶۶). با گسترش آئین توحیدی به منظور تبیین هرچه بهتر این آئین و دعوت و جذب افراد جامعه به آن لزوم داشتن پایگاه و نشست‌های شبانه در دستور کار پیامبر قرار گرفت. علاوه بر تربیت این گروه اولیه مسلمانان و فرستادن ایشان در میان مردم برای تبلیغ اسلام، مقابله با مشرکین مکه به سبب فساد در حکومت مشخصه بارز این دوره بود (الویری، پیشین: ۲۳). هرچند این مقابله نه به صورت جنگی ظاهری، بلکه با روشنگری‌های پیامبر و یاران‌شان مبنی بر دوری از شرک و بت‌پرستی و دعوت ۴۵ به برابری و برادری در سایه توحید و گرایش روزافزون مردم به دین مبین اسلام موجب شده بود تا قریشیان احساس خطر کرده، به منظور حفظ موقعیت خود و اخلال در دعوت پیامبر، و سرکوبی آنان با شیوه‌های مختلف به آزار و اذیت‌های روحی و جسمی، از جمله تمسخر، تهمت، تحقیر، حتی تطمیع و ... به‌زعم خود مانع از گسترش اسلام شوند. پیشوای مسلمین از وقوع چنین شرایط دشواری آگاه بودند، بنابراین سرسختانه تلاش می‌کردند تا روحیه تازه مسلمانان را تقویت کنند، هرچند در منابع نقل شده کسانی نیز تاب نیاورده از اسلام بازگشتند، کسانی شهید شدند و عده‌ای تقیه کردند تا در فرصتی مناسب به جامعه مسلمین بازگردند. محتوای آیات مکی که در این دوران به منظور تقویت روحیه تازه مسلمانان نازل شده، نشان دهنده میزان فشارهای وارده به ایشان می‌باشد، از جمله آیات ۴۱ و ۴۲ سوره نحل که آنان را به اجری عظیم در بهشت وعده می‌دهد.

سرانجام پیامبر دستور هجرت گروهی را به حبشه صادر کردند (جعفریان، پیشین: ۳۴۳-۳۳۹). مهاجرت مسلمانان به حبشه در دو مرحله صورت گرفت. در اولین مرحله با تدبیر پیامبر و به منظور سنجش موقعیت حبشه و ارزیابی میزان موفقیت مسلمانان در آن سرزمین برای ارائه و تبلیغ دین و پذیرش آن توسط حبشان و بررسی امکان گسترش اسلام صورت پذیرفت. و اما در مرحله دوم سفر به حبشه که احتمالاً به سبب تحکیم

روابط و یا تجدید تعهدات گذشته بود، قریشیان از نیت مسلمانان و خطر گسترش اسلام آگاه شده تلاش کردند تا مانع توافق پادشاه حبشه با مسلمانان شوند، که با درایت رسول اکرم و مهیا کردن زمینه در سفر اول و گفتگوهایی که میان مبلغین و پادشاه حبشه صورت گرفته بود، در دومین سفر به دستور نجاشی مجلس مناظره‌ای میان مسلمان و بت‌پرستان در حضور بزرگان حبشه ترتیب داده شد تا با آشکار کردن وجوه اشتراک عقاید مسلمانان با مسیحیان علیرغم اختلافاتی در مقایسه با تضاد بسیار ایشان با بت‌پرستان دست رد بر سینه مشرکان زده و درخواست آنان مبنی بر اخراج مسلمانان را از آن سرزمین رد کند (زرگری‌نژاد، پیشین: ۳۰۲-۳۰۳). این واقعه علیرغم فشار قریش از اولین نشانه‌های توفیق مسلمانان در خارج از شبه جزیره بود. فشار و دشمنی قریش روز به روز بیشتر می‌شد، تا جائیکه کمر به قتل فرستاده خدا بستند. تازه مسلمانان با آگاهی از این اقدام شوم، مدتی را هم در شعب ابیطالب در اوج سختی گذراندند، و تنها آرامش‌بخش دل‌ها و نوید دهنده به آنان در آن روزگار سخت ایمان‌شان بود، که در قلب‌هایشان ریشه دوانیده و تاب مقاومت به آنان می‌داد؛ و راهنمایی که در تمام لحظات در کنارشان بودند و با آموزه‌های اسلام و آیات قرآنی به آنها آرامش و نوید پیروزی می‌داد. علیرغم مفاد پیمان‌نامه مبنی بر قطع هرگونه رابطه‌ای با ساکنان شعب کمک گاه و بیگاه برخی از مکیان و ارسال مایحتاج برای آنان نشان از عدم توافق میان تمام اهالی مکه در برخورد با مسلمانان بود. هرچند این مساعدت‌ها به میزانی نبود تا بتواند از رنج حاصل از محدودیت‌های شعبیان بکاهد. محافظت از جان پیامبر، احساس مشترک دردی واحد که باعث مستحکم شدن روابط میان مسلمانان شد و تحریک عواطف برخی از مشرکین از نتایج مثبت حضور آنان در شعب بود (همان، ۳۰۶) حصر در سال دهم بعثت به پایان رسید.

در فاصله کوتاهی بعد از خروج از شعب حضرت محمد دو حامی و یاور خود ابوطالب و خدیجه را از دست دادند، در فقدان آن دو بزرگوار فشارها بر مسلمان دو چندان شد، از آن پس قریش بیش از پیش مسلمانان و شخص پیامبر را مورد آزار و اذیت قرار دادند. ایمانی که در وجود آن حضرت و به مدد ایشان در دل یارانشان ریشه دوانیده بود موجب می‌شد تا نه تنها در مکه، و در نهایت سختی دست از رسالت خود بر نداشته و در تقویت ایمان خود و جذب مشرکین تلاش کنند، که از هر موقعیتی بهره جسته تا راهی برای گسترش و نفوذ اسلام در دیگر سرزمین‌ها بیابند و چه بسا بتوانند در نقطه‌ای دیگر و دور از حومه آزار مشرکین مکه اسکان یابند و در آرامش و به دور از فشار و تهدید به اهداف والای خود دست یابند. لذا شرکت در مراسم حج و حضور در بازارهای مکه، همچنین ارسال نمایندگانی مخفیانه به میان قبایل و سرزمین‌های اطراف از جمله اقداماتی بود که در راستای تبلیغ دین صورت می‌گرفت. لیکن به سبب پیوندهایی که میان بادیه‌نشینان و مردم سرزمین‌های اطراف از جمله طائف با قریش بسته شده بود و نفوذ و قدرت مکیان در منطقه، مسلمانان در این دوره توفیق چندانی نداشتند، و حاصل تنها گرایش تعدادی محدود به اسلام بود.

ارزش‌ها و باورهای مشترک و تأثیر آن بر عملکرد مسلمانان با تبعیت از پیشوای خود، مسلمانان را از ادامه مسیر مایوس‌ساخته همچنان به امید یافتن راهی در کنار هم و دستیابی به آرمان مشترک مصرانه تلاش می‌کردند. پس از ناکام ماندن رایزنی‌ها برای هماهنگی با روسای مناطق اطراف، در سال یازدهم هجرت آن حضرت با تعدادی از مردم یثرب، تعدادی از خزرجیان، که برای انجام مناسک حج آمده بودند در عقبه ملاقات کرده و آنان را با دین اسلام آشنا کردند. به نقل از ابن‌خلدون همسایگی آنان با یهودیان و ادعای ایشان مبنی بر بشارت آمدن پیام‌آوری که نوید روزگاری بهتر را به همراه دارد، تا حدی قلوب‌شان را آماده پذیرش کرده بود، به ویژه اینکه، پیش از آن نیز دائماً با دیگر قبایل و گروه‌ها قبایل در تعارض و جنگ بوده، و از وضع موجود به ستوه آمده بودند، از این‌رو این با گفتگوهایی که میان‌شان ردو بدل شد سخنان پیامبر را پذیرفته، با پیام دعوت به یگانگی خدا، و به تبع به امید برقراری وحدت، صلح و آرامش به سرزمین خویش بازگشتند. سال بعد نیز ملاقات با فرستاده خدا در عقبه و البته با تعداد بیشتری از دو قبیله بزرگ یثرب، خزرج و اوس، و در نهایت دقت به جهت لزوم بی‌خبر ماندن مکیان از این نشست صورت گرفت، در حالیکه بشارت ایمان آوردن برخی از اهالی یثرب را برای حضرت محمد آورده بودند. در این مجلس، در سال دوازدهم بعثت، میان ایشان با پیامبر عهدی تحت عنوان "بیعت نساء" بسته شد و براساس آنان نمایندگان یثرب متعهد شدند تا خدای یگانه را پرستش کنند، از گناه اجتناب کرده و مطیع اوامر الهی و رسول او باشند. سپس نبی اکرم ۴۷ کسانی را برای تعلیم قرآن و بیان شرایع به همراه ایشان رهسپار مدینه کردند. ابن‌خلدون اظهار می‌کند: اسلام در مدینه فراگیر شد بنحویکه در هر خانه‌ای مسلمانی حضور داشت (ابن‌خلدون، الف، پیشین: ۴۰۰).

با وجود تعهداتی، با محتوای دعوت مسلمانان از جانب مردم یثرب و ضمانت جان ایشان در آن دیار، که میان نومسلمانان یثرب با رسول اکرم در عقبه اول منعقد شد، علیرغم فشارهای روزافزون و گسترده مکیان، پیامبر تا بیعت عقبه دوم در سال سیزدهم بعثت فرمان هجرت را صادر نکردند. پس از کسب اطمینان و عقد قرارداد با یثربیان حضرت محمد دستور دادند تا مسلمین گروه گروه و البته با رعایت جوانب احتیاط، مکه را به قصد سرزمینی امن ترک کنند. طبری تاریخ هجرت پیامبر را ربیع‌الاول سال چهاردهم نبوت بیان می‌کند (طبری، پیشین: ۲۵۹). افزایش جسارت مشرکین در ایجاد مصائب و مشکلات پس از وفات دو یاور نیرومند پیامبر تا حد تهدید جان ایشان و مسلمانان موجب نشد تا عجلولانه، به دور از تدبیر و دوراندیشی تصمیمی اتخاذ کنند. هدف پیام‌آور توحید گسترش و حفظ اسلام بود که با صبر و بردباری و داشتن برنامه‌ای جامع میسر می‌شد نه با اتخاذ تصمیمات آنی برای گذر از شرایط سخت و بحرانی امروز و قرار گرفتن در مرحله‌ای که عقوبت آن مجهول بود. ضمن اینکه با وجود تحولاتی که در دل اعراب تازه مسلمان شده رخ داده بود، هجرت از سرزمینی که در آن رشد یافته، همچنین تعلق خاطر نسبت به خویشان براساس عصبیت قبیله‌ای،

صرف‌نظر از تفاوت‌های عقیدتی، نیز گذشتن از اموال نیازمند نفوذ ایمان در اعماق وجود آنان بود و این مهم با گذر زمان و فشارهای وارده از جانب قریشیان حاصل شد و اینگونه بود که به دست کشیدن از هر آنچه تا چندی پیش نسبت به آن تا سر حد مرگ می‌جنگیدند رضایت دادند، چراکه اکنون ارزش‌های والاتر روحانی جایگزین ضد ارزش‌های دنیوی شده بود (زرگری‌نژاد، پیشین: ۳۴۰-۳۳۶).

سرانجام با دستور پیامبر هجرت به سوی یثرب به صورت فردی و گروهی آغاز شد و البته انتخاب مسیر مکه تا یثرب برای مهاجرین نه مسیر معمول که راه‌های صعب‌العبور و تحمل مشقات فراوان برای مصون ماندن از تعقیب و آزار مکیان صورت گرفت. در نهایت رسول اکرم خود در شبی، "لیلہ‌المبیت"، که سران قریش کمر به قتل ایشان بسته بودند با از جان‌گذشتگی یار با وفای همیشگی حضرت علی بن ابیطالب (ع)، مکه را ترک کردند (ابن جوزی، ۱۳۷۹: ۵۱). و در ماه ربیع‌الاول سال اول هجری وارد یثرب شدند (مسعودی، ۱۳۶۲: ۲۱۹).

۳- شیوه مدیریتی پیامبر در برقراری نظم اجتماعی

با استناد به منابع تاریخی به روایت ابن‌اسحاق و مراجعه به کتب سیره، در آغازین روزهای ورود به یثرب، اولین اقدام پیامبر بنای مسجد بود، ایشان خود نیز در ساخت مسجد مشارکت داشتند، و این امر به مسلمانان نیرو می‌داد. بنای مسجد نه فقط به منظور تأسیس مکانی برای عبادت که مرکزی سیاسی، اقتصادی، حکومتی و ... بود. مسجد "دارالحکومه" بود، تمامی امور مهم در آن صورت می‌پذیرفت (عسکری، ۱۳۹۴: ۶۹)؛ مسجد، مرکز مشاوره، پاسخگویی به سوالات، تعلیم قرآن و احکام دینی، محلی برای حل اختلاف‌ها و بستن پیمان‌ها و از همه مهمتر آگاهی یافتن از امور و اوضاع مسلمین بود، به ویژه اینکه مسلمانان در طول روز چندین نوبت برای ادای فریضه الهی در آن مکان جمع می‌شدند. بلال در ابتدا و سپس ابن‌ام مکتوم به نوبت با آوای اذان که اکنون از طریق وحی به پیامبر ابلاغ شده بود مسلمانان را از هنگامه نماز آگاه می‌کردند (آیتی، ۱۳۷۸: ۲۳۰). به همین منظور پیامبر بنای مسجد را بعنوان اولین پایگاه مسلمانان و به هدف تسهیل امور در راس برنامه‌های خود قرار دادند.

اقدام بعدی پیشوای مسلمین که دقیقاً منطبق با اصل توحید و برطبق موازین اسلامی بود دعوت به برابری و برادری، و بستن عقود اخوت میان مسلمانان، مهاجرین و انصار، و به منظور تحکیم پیوند میان آنان با در نظر داشتن صفات مشترک و شباهت در رفتار و گفتار و یا شیوه زندگی ایشان صورت گرفت. هدف از پیمان برادری دست یافتن به مصالح اسلام و تقویت و حمایت از ارزش‌های والای آن بود، نه تبعیت از تعصبات کورکورانه جاهلیت، لذا در میان برادران دینی ارزش والایی داشت. برخلاف اظهارات برخی از منابع که "عقد اخوت" را با "حلف" برابر دانسته‌اند، با بررسی ویژگی افرادی که میان آنان عقد اخوت بسته شد در می‌یابیم که میان این دو، پیمان اسلامی و آنچه در دوران جاهلیت با عنوان حلف شهرت داشت، تفاوت فاحشی وجود

دارد، اولین پیمان نه به منظور در پناه فردی یا قبیله‌ای قرار گرفتن، به دلیل ضعف و نیاز به حمایت، که بواسطه وجوه مشترک شخصیتی و ایجاد ارتباط میان قبایل و کاستن از تعصبات قبیله‌ای و در نهایت جمع شدن قبایل زیر یک بیرق به نام اسلام به منظور رسیدن به مقصدی مشترک بود. پیمان برادری در همان ماه‌های اولیه هجرت پیش از جنگ بدر منعقد شد (ابن‌ادریس، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

به موجب اهمیت تأمین امنیت داخلی با آگاهی از احتمال مواجهه با دشمنان خارجی رهبر ژرفاندیش اسلام لزوم بستن پیمان‌هایی با یهودیان و مشرکین مدینه را دریافته و به این امر اهتمام ورزیدند. هرچند در منابع از سرعت شیوع اسلام در مدینه سخن گفته شده است و پیشتر نیز به روایت ابن‌خلدون در سرعت گروش اهل یثرب به اسلام استناد شد، با این وجود، در مدینه گروه‌های مختلفی حضور داشتند که بعضاً به دلایلی از حضور نبی‌اکرم خرسند نبودند، هرچند شاید به ظاهر این امر را کتمان می‌کردند؛ ضمن اینکه در میان اهالی یثرب تعارضات و دشمنی‌هایی دیرینه وجود داشت. اکنون کسانی که اسلام را پذیرفته و تعصبات پیشین خود را با ارزش‌ها و باورهای برخاسته از آموزه‌های اسلامی جایگزین نموده بودند، تا حدودی توفیق یافتند تا بر این مناقشات و نفسانیات سرپوش نهند. اما دوراندیشی پیامبر علاوه بر درک لزوم انسجام و تحکیم پیوند درون‌گروهی و برون‌گروهی میان مسلمانان، دو گروه انصار و مهاجر، براساس معیارهایی که به آنان اشاره شد، بستن قراردادهایی با دیگر اقشار مدینه، از جمله گروه‌های مختلف یهود و مشرکین اجتناب‌ناپذیر ۴۹ می‌نمود. هدف پیامبر از این اقدام سعی در ایجاد شکل نوینی از جامعه بود، جامعه‌ای که افراد آن یا بواسطه اشتراکات معنوی به هم پیوند خورده، از حصر قبیله و تعصبات قبیله‌ای بیرون کشیده شده و در محیطی گسترده‌تر از آنچه به آن تعلق داشتند به مدد گزینش ارزش‌هایی نو و در جستجوی هدفی مشترک و در عین حال والاتر گردهم آمده بودند، و یا به سبب امکان بهره‌مندی از موقعیت‌های اجتماعی یکسان در کنار مسلمانان ضمن تقبل تعهداتی عضو جامعه نوپای مدینه بودند. بدین صورت مقصود رهبر مسلمین از برقراری پیوندهای عمومی علاوه بر ممانعت از دشمنی‌های دیرینه ناشی از تعصبات جاهلانه، تجمیع اهالی مدینه و مسلمانانی که در دوره‌های بعد با شنیدن نوای اسلام به مدینه هجرت کرده و به ایشان می‌پیوستند، قرار دادن آنان زیر لوای واحد به نام "اسلام" و یکپارچگی و یگانگی تمام گروه‌ها و در نتیجه رسیدن به نظم اجتماعی بود. اینگونه بود که برای نخستین بار در دنیای آن روز عربستان، قبیله و هرگونه مولفه متعلق به آنکه موجبات تمایز یکی با دیگری و اسباب تفاخرات و امتیازات بی‌اساس را فراهم آورده بود، با عرق وطن-پرستی و برادری ایمانی که بر برادری نسبی ارجحیت داشت جایگزین می‌شد (همان، ۱۵۴-۱۵۲). ابن‌خلدون سبب دوام و قوام دولت‌ها و پیشرفت آنان را پیروی از آئینی می‌داند که پیام‌آور حقی مردم را به سوی آن فرا می‌خواند، از دیدگاه او در سایه مذهب است که میان قلب‌ها الفت ایجاد شده و موجب از میان رفتن اختلافات

باطل می‌شود. و ماحصل جایگزینی تعاون و همکاری با رقابت‌ها است. نتیجه وحدت کلمه، دولتی است قدرتمند که رو به جلو گام برمی‌دارد، هر چند تعداد افراد آن در مقابل مخالفان و معاندان کم باشد (ابن-خلدون، پیشین: ۳۰۳-۳۰۲). در پی عقود اخوت و پیمان‌هایی که جداگانه با گروه‌های مختلف ساکن یثرب بسته شد، در همان ماه‌های آغازین هجرت، رسول خدا پیمان‌نامه‌ای عمومی مطابق با مضامین قرآنی بعنوان قانون اساسی اسلامی، با مخاطب قرار دادن هر آنکس که به ایشان پیوسته و بیبوند، اعم از مسلمان، مشرک یا یهودی، تحت عنوان "امت واحده" به امضاء رسانیدند (جعفریان، پیشین: ۴۴۱-۴۴۰).

پس از کسب اطمینان از امنیت داخلی، احساس خطر از ناحیه بادیه‌نشینان و قبایل اطراف و نیز قریش بزرگترین دشمن مسلمین و همدستی ایشان با یکدیگر، پیامبر را بر آن داشت تا با انجام سریه‌هایی گاه و بیگاه و غزواتی که خود در آن شرکت می‌کردند علاوه بر نشان دادن قدرت نظامی مسلمانان و تأمین امنیت خارجی، معاهداتی را با قبایل مجاور مبنی بر عدم همکاری با یکدیگر و دیگر دشمنان بر ضد مسلمین امضاء نمایند. از طرفی با ایجاد ناامنی در مسیر کاروان‌های تجاری قریش و مانورهای نظامی در اطراف مدینه سعی داشتند تا قریش را که ناگزیر از انتخاب آن مسیر برای تجارت بود تحت فشار قرار دهند (همان، ۴۶۳).

علیرغم این تمهیدات و پیمان‌هایی که میان مسلمانان و مشرکین بسته می‌شد، کتب تاریخی نشانگر تعدد عهدشکنی دشمنان، دسیسه‌چینی و همراهی با یکدیگر بر ضد مسلمانان و ایجاد ناامنی در منطقه می‌باشد.

این امر پیامبر را ناگزیر از ترتیب دادن جنگ‌هایی را برای سرکوب آنها کرد. نکته حائز اهمیت در سیره رسول اکرم و در راستای برقراری نظم اجتماعی تدابیری بود که با الهام از آیات الهی، مشورت با صحابی و نهایتاً اتخاذ تصمیم نهایی توسط خودشان اندیشیده و به اجرا گذاشته می‌شد. بسته به میزان اهمیت سرایا و غزوات هماهنگی میان نیروها، چگونگی چینش سپاه و مواجهه با دشمن با در نظر داشتن این امر که غالباً و به ویژه در سال‌های نخستین مدنی مسلمانان با قلت نیرو، ابزارآلات جنگی و سوار مواجه بودند به دقت مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. فرماندهان نظامی و پرچم‌داران از میان افراد لایق و شجاع بدون توجه به سن و سال و موقعیت اجتماعی برگزیده می‌شدند. در مواقعی که خود آن حضرت همراه سپاه آماده خروج از مدینه بودند به جهت از دست نرفتن شیرازه کار حکومت، افرادی را بعنوان جانشین بر می‌گزیدند. به گزارش واقعی پیامبر در سریه‌ها و جنگ‌های مختلف هر بار پرچم را به شخصی سپرده، همچنین افراد مختلفی را بعنوان جانشین با صلاحدید خویش در هنگام حضور در جنگ، در مدینه می‌گماشتند (واقعی، ۱۳۶۹: ۶). علاوه بر توصیه‌هایی برای شروع و در طول جنگ به مسلمانان، نه صرفاً توصیه‌های نظامی بلکه مرور آداب جنگ بر اساس آموزه‌های دین، رسول خدا نسبت به نحوه برخورد مسلمانان با اسیران جنگی و غنائم به دست آمده، همچنین چگونگی تقسیم غنائم نهایت دقت را داشتند، چراکه هدف گسترش دین مبین اسلام و جذب مشرکین بود، و این مهم با کنش‌های مسلمانان به ویژه شخص پیامبر و تأثیر آن بر مشرکین می‌توانست موجب تألیف قلوب شده و

مؤید برتری دین مبین اسلام بر هر آنچه پیش از آن و در جاهلیت بدان پایبند بودند باشد. بنابراین باتوجه به گزارش سیره‌نویسان، و منطبق با آنچه در کتاب المغازی واقدی که بطور خاص به غزایا و سرایای دوران حکومت رسول اکرم پرداخته است، در مجموع ۲۷ غزوه و ۴۷ سریه به وقوع پیوست، که در غالب آنها هیچ "جنگی" صورت نگرفته است. در تأیید آنچه بدان اشاره شد، تعدادی از این رویارویی‌ها تنها به منظور نشان دادن نیروی نظامی و دفع دشمنان، برخی به برقراری صلح و بستن پیمان‌نامه‌ها و در شماری نیز بدون اقدام به محاربه پس از محاصره به دشمنان امان داده شده، امان‌نامه‌هایی نیز مبنی بر رعایت احوال دوطرف و اخذ تعهداتی به امضاء می‌رسید. گفته می‌شود از مجموع غزوات در نه مورد آن نبرد درگرفت، که حضرت محمد خود شخصاً در آنها حضور داشته و بعضاً زخم‌هایی نیز برداشته‌اند.

با اخراج عهدشکنان یهود و مشرکین از مدینه و غلبه بر آنان بعد از کارشکنی‌های گاه و بیگاه و در نتیجه اقدامات نظامی مسلمین و قدرت گرفتن آنان، در نهایت پس از پیروزی سپاه اسلام در جنگ احزاب، در سال ۶ هجری این امر بر رسول خدا و اصحاب محرز شد که قریش و مشرکین توان مقابله با مسلمانان را ندارند، از این‌رو تصمیم گرفتند که با تعداد زیادی از مسلمانان غیر مسلح به منظور انجام عمره عازم خانه خدا شوند، واقدی می‌گوید: در همین سفر بود که پیامبر حدیث معروف "ثقلین" را در خطبه‌ای خطاب به همراهان‌شان ایراد کردند، و از اماناتی که میان ایشان به ودیعه خواهند گذاشت، قرآن و عترت یاد کرده و بر حفظ و مراقبت ۵۱ از آن دو تأکید نمودند (همان، ۵۷۹). با شنیدن خبر نزدیک شدن مسلمین به مکه بزرگان قریش با فرستادگانی مانع حضور آنان در سرزمین وحی شدند، افزون بر این از قبایل اطراف به دلیل احتمال خطر حمله مسلمانان و امکان رویارویی با آنان یاری طلبیدند. با طولانی شدن بازگشت مذاکره‌کنندگانی از سپاه اسلام با مشرکین، مسلمانان با پیشوای خود با مضمون پایداری و همراهی با ایشان تجدید بیعت کردند. سرانجام با آمد و شد رسولانی میان دو گروه مسلمین و مکیان و مذاکراتی که میان‌شان رد و بدل شد، پیمان‌نامه صلحی مبنی بر توقف جنگ تا ۱۰ سال و امکان انجام مناسک حج برای مسلمین، از مهمترین مفاد "صلح حدیبیه"، میان دو طرف به امضاء رسید، حضرت علی (ع) امضاء کننده پیمان‌نامه بودند. هر چند آن سال مسلمانان توفیق انجام عمره را نیافتند (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲۰۷). به هر روی سال بعد مسلمانان مراسم حج را تحت عنوان "عمره القضاء" انجام دادند. بارزترین نکته در مورد صلح حدیبیه نه مسأله وقفه جنگ ده ساله و نه امکان انجام مراسم حج توسط مسلمین، بلکه وجه سیاسی آن بود، قریش که به هر طریق ممکن تا آن زمان توسل بسته بود تا مسلمانان را از میدان به در کند، اکنون حکومت اسلامی را بعنوان جامعه‌ای مستقل پذیرفته و با آنان وارد مذاکره شده بود (جعفریان، پیشین: ۴۹۵)؛ این پیروزی تحت عنوان "فتح المبین" از بزرگترین موفقیت‌هایی است که مسلمانان در اثر همراهی و همدلی و با تلاش مستمر و تدابیر

حاکمی مدبر در ایجاد و برقراری نظم اجتماعی و حرکت به سوی هدفی مشترک به آن دست یافته بودند، این در حالی بود که تنها مدت اندکی از تشکیل حکومت مدینه می‌گذشت و هنوز آنان آزار و اذیت قریش، رنج‌ها و شکنجه‌ها و بدعهدی‌ها را کاملاً به خاطر داشتند. نهادینه شدن ارزش‌ها در قلوب مسلمانان و فاصله گرفتن از منیت‌ها و تعصبات جاهلی، هرچند هرازگاهی نمودهایی در کردار و گفتار برخی از آنان داشت، با حضور و نظارت دائمی رسول اکرم و اندرزهای ایشان موجبات این پیروزی بزرگ را فراهم آورده بود.

آئینی که فرستاده خدا مأمور به ابلاغ آن شد، تنها محدود به سرزمین عربستان و مردم آن نبود، هرچند پیامبر در میان اعراب و در شهر مکه به رسالت مبعوث شدند، اما اسلام دینی جهانی و همه‌شمول است و تعالیم آن، پرستش خدای یگانه، برابری و برادری و دوری از وجوه مختلف شرک و بت‌پرستی، قابل تعمیم به مردم در همه زمان‌ها و در سرتاسر جهان است. به همین جهت با آسوده شدن از ناحیه قریش و رسیدن به ثبات نسبی در منطقه حضرت محمد سفیرانی را به شهرها و کشورهای اطراف روانه کردند تا ندای اسلام را به گوش جهانیان برسانند. به گزارش صاحب طبقات هر یک از سفیران به زبان کشوری که به آن فرستاده می‌شد مسلط بودند. علاوه بر این رسولانی به سوی قبایل بزرگ و صاحب نفوذ فرستاده شدند. فرمانروایان، اما هرکدام عکس‌العمل متفاوتی با این پیام‌آوران داشتند، در حالیکه گفته می‌شود نجاشی با دریافت نامه اسلام را پذیرفت، خسرو پرویز نامه را پاره کرد، و مقوقس پادشاه لخمیان با وجود اینکه برای پیامبر هدایایی فرستاد اما از پذیرش اسلام سر باز زد.

۵۲

با وجود تدابیر اندیشیده شده رسول اکرم در راستای ثبات و امنیت منطقه و پیمان‌نامه‌های متعدد، همچنان سریه‌ها و غزواتی به منظور سرکوب عهدشکنان یهود و مشرکین صورت می‌گرفت. از جمله غزوه خیبر و فدک که منجر به اخراج آخرین گروه یهودیان شد، سریه موته که در پاسخ به شهادت ناجوانمردانه سه تن از یاران برجسته پیامبر بود. سرانجام با بدعهدی قریش تنها پس از گذشت کمتر از دو سال از صلح حدیبیه، ابوسفیان که به وخامت اوضاع پی برده بود راهی مدینه شد تا در پناه یکی از مسلمین قرار گرفته و از پیامبر تقاضای تجدیدپیمان کند، اما سعد آخرین فردی که ابوسفیان به او رو آورد نیز درخواست او را نپذیرفت، لذا بزرگ قریش که مخفیانه وارد مدینه شده بود بدون دریافت نتیجه به مکه بازگشت (واقعی، پیشین: ۷۹۴). حضرت محمد با سپاهی عظیم بدون اعلام مقصد نهایی عازم پیکار شدند. مکیان و همپیمانان ایشان دیگر تاب مقاوت در برابر سپاه نیرومند اسلام را نداشتند، لذا مکه در سال هشتم هجری بدون خونریزی فتح شد. پس از این پیروزی عظیم تقریباً تمامی مشرکین بخشیده شدند، و عنوان "طلقاً" را برای همیشه با خود یدک کشیدند. هرچند نبی اکرم از مکنونات قلبی آنان خبر داشت و می‌دانست که اغلب آنان فقط به زبان اقرار مسلمانی کردند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۱۷). با شکسته شدن بت‌های درون کعبه و فرستادن افرادی به منظور تخریب بت‌های قبایل اطراف، مکه مهمترین شهر حجاز، که روزگاری نومسلمانان سخت‌ترین لحظات خود را در آن

سپری کرده بودند اکنون با یاری خدا و تدابیر پیامبر تحت فرمانرواییی اسلام درآمد بود و وعده الهی مبنی بر شکست مشرکین و پیروزی مسلمانان بعد از تحمل سال‌ها سختی محقق شد. نبی اکرم ضمن اینکه سختکوشانه برای هدایت مردم تلاش می‌کردند تا آنان را از اسارت جاهلیت برهانند، دل‌هاشان را به نور الهی روشن کنند و از عذاب الهی بیم دهند، هرگز کسی را مجبور به پذیرش اسلام نکردند، زیرا به وضوح آگاه بودند که ایمانی که بر عمق جان افراد اثر کند می‌تواند راه‌گشای آنان باشد. پیامبر پس از سر و سامان دادن به اوضاع مکه به میان انصار، افرادی که در روزگار محنت به ایشان و باران‌شان پناه داده بودند بازگشتند.

با گسترش اسلام پیشوای مسلمین کارگرانی را با توجه به قابلیت‌های آنان و با سمت‌های مختلف انتخاب کرده با توجیه وظایف و در رأس آن توصیه به مطابقت رفتار و گفتار با آئین و موازین اسلامی به سرزمین‌های مختلف اعزام کردند. افرادی را به امارت قبیله و شهری فتح شده، کارگرانی را برای دریافت زکات و مالیات، و مبلغان و معلمانی را هم برای آموزش قرآن و موازین شرع رهسپار کردند؛ همچنین ایشان با افزایش نیروهای نظامی شماری فرمانده شجاع و قابل اعتماد را از میان قبایل و یا از صحابی برگزیدند، گاه بسته به تعداد نفرات سرزمین تازه ملحق شده به اسلام و یا تعداد نفرات سپاه، مناصب را بطور مشخص میان چندین نفر تقسیم می‌کردند. علاوه بر انتخاب کارگران، نظارت بر اعمال این افراد از جمله مهمترین اقدامات مدیریتی رسول اکرم بود که به منظور کسب اطمینان از صحت کردار عمال حکومتی و تطابق آن با اهداف کلی صورت ۵۳ می‌گرفت، لذا در صورت نیاز با تشویق، تنبیه و یا جایگزینی افراد پیش از آنکه رشته کار از دست برود، به اصلاح امور پرداخته و یا با ایجاد انگیزه به بهبود عملکردها کمک می‌کردند (کتانی، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

افزون بر انتخاب کارگزار و ناظر برای امور لشکری و کشوری و جمع‌آوری وجوه شرعی، دامنه اقدامات رسول-اکرم در شیوه حکومت‌داری به گستردگی آیات وحی و شمول آن بر همه امور بود. از جمله می‌توان با توجه به اهمیت مسجد و بنای آن در مرکز شهر، برخلاف آنچه در گذشته رایج بود و روسای قبایل در هر محله در مرکز قرار داشتند و شهر به محله‌های مختلف قابل تفکیک بود، اکنون در مدینه یک مرکز ثقل وجود داشت و آن مسجد پیامبر بود (ابن‌ادریس، پیشین: ۱۶۱-۱۵۹). افزون بر انجام نمازهای پنج‌گانه، تمام امور مربوط به مسلمین از تعلیم قرآن و احکام شرع گرفته، تا جویا شدن از حال افراد و قبایل، قضاوت و حل اختلاف‌ها، اطلاع از رویدادها و اخبار مهم، مشورت و تصمیم‌گیری در امور مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی و ... همه و همه در مسجد صورت می‌گرفت. در دوره‌های بعد نیز با فتح شهرها توسط سپاه اسلام همین شیوه دنبال می‌شد، با ساخت مسجد، مسجد جامع، شهر از شکل محله‌هایی همجوار، به صورت یکپارچه با محوریت مسجد تبدیل می‌شد. علاوه بر اینکه رسول اکرم محلی را در محدوده مسجد به اسکان افراد نیازمند و کسانی که پس از هجرت به مدینه جایگاهی نداشتند اختصاص دادند. هرچند پس از مدتی، با افزایش شمار مهاجران

به مدینه و ازدحام جمعیت و با درک مشکلات احتمالی، از جمله کمبود مواد غذایی و امکانات، شغل، امکان اخلاص در رسیدگی به امور و ... نبی اکرم مهاجرین را همراه با مربیانی به شهرها و در میان قبایل خود باز می‌گرداندند.

با استناد به روایات راویان اخبار و سیره‌نویسان، مهاجرت مسلمانان به یثرب به همراه پیامبر، غالباً با دست خالی، صرف‌نظر از استقبال گرم انصار از ایشان در خانه‌های خود و بخشیدن قسمتی از اموال خود به آنها، اسکان در مدینه برای بلندمدت، سریه‌ها و غزواتی که ناگزیر به انجام آن بودند، نیز سرازیر شدن اسلام آوردندگان به مدینه لزوم اتخاذ تدابیر اقتصادی را ایجاب می‌کرد. حضرت محمد همانند دیگر امور به این امر مهم وقوف کامل داشتند و از موقعیت‌ها و فرصت‌های موجود در بهبود وضع اقتصادی بهره می‌جستند. در وهله اول باتوجه به حاصل‌خیزی سرزمین یثرب و وجود آب‌های زیرزمینی، نبی اسلام زمین‌هایی را که انصار در ابتدای ورود به این شهر به ایشان بخشیده بودند و زمین‌های بدون صاحب و بخشی از آن زمین‌هایی که بدون جنگ به دست می‌آمد و طبق آیات قرآن خالصه پیامبر بود، مثل زمین‌های بنی‌نضیر، را به مهاجرین و نیازمندان انصار داده و آنان را به کشاورزی و کار در آن زمین‌ها ترغیب می‌کردند، سپس با آباد کردن زمین‌ها بایر آن زمین را به شخص می‌بخشیدند و این امر موجب تشویق کشاورزان و رونق کشاورزی و آبادانی مدینه می‌شد. بیش از همه تأکید ایشان به کاشتن نخل بود چراکه هم میوه آن از ارزش بالایی برخوردار بود و هم برگ و الیاف آن مورد استفاده قرار می‌گرفت (همان، ۲۱۲). از دیگر مسائلی که موجب رونق اقتصادی مسلمانان در سال‌های بعد شد غنایمی بود که در جنگ‌ها به دست می‌آمد، و رسول اکرم مطابق با آنچه بواسطه وحی به ایشان تعلیم می‌شد، آن غنایم را میان مسلمانان تقسیم می‌کردند؛ نه مانند آنچه در دوره جاهلیت مرسوم بود، که هرکس هرچه را به دست آورده بود از آن خود می‌دانست، یا اینگونه اموال تنها متعلق به کسانی بود که در جنگ شرکت کرده بودند، و یا موقعیت‌های اجتماعی و یا نسبت‌های خویشاوندی در چگونگی تقسیم اموال لحاظ می‌شد، بلکه پس از خاتمه جنگ غنایم همه در یک مکان جمع شده، سپس براساس احکام الهی، یک پنجم آن بعنوان خمس و اموالی که متعلق به پیامبر می‌باشد جدا شده و باقی با نظارت و صلاح‌دید پیامبر میان مسلمانان و حتی غیرمسلمانان به جهت تألیف قلوب تقسیم می‌شد. چه بسا پیامبر اموالی را فقط به نیازمندان می‌دادند و یا هر آنچه به دست آمده بود به میزان مساوی به همه افراد می‌بخشیدند. هدف رسول خدا از بکار بردن شیوه‌های مختلف در تقسیم غنایم از میان بردن اختلافات طبقاتی و تفاخرات جاهلی بود. از نگاه اسلام آنچه مایه مباهات بود نه موقعیت اجتماعی و نسبت‌های قبیله‌ای و میزان دارایی که پیشی گرفتن در ایمان و تقوی الهی ملاک و معیار برتری بود. بر همین اساس پیشوای اول شیعیان حضرت علی (ع)، خطاب به فرزندان‌شان و در واقع به امت مسلمان، در کنار تقوی الهی توصیه به نظم در امور می‌کنند. "اوصیکم به تقوی اله و نظم امرکم" آیت‌اله مصباح یزدی در تفسیر کلام امیرالمومنین می‌فرماید مقصود از سفارش

به نظم در امور در کنار توصیه به تقوی نه صرفاً نظم در امور عادی و روزمره مانند چینش وسایل و نظم در ظاهر بلکه به معنی نظم در امور کلی و مربوط به مسایل جامعه اسلامی و امور اجتماعی می‌باشد. ایشان اینگونه استدلال می‌کنند که هدف حضرت علی(ع) این بوده است که در صورتی امور جامعه اسلامی سامان می‌یابد که هریک از اعضاء جامعه قبول مسئولیت کرده و مطابق قانون در راستای دستیابی به اهداف جامعه و سیادت اسلام و مسلمین گام بردارند (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌اله مصباح یزدی، بی‌تا). تلاش‌های بی‌وقفه پیامبر برای نهادینه کردن ارزش‌ها در میان امت به منظور برقراری نظم در امور اجتماعی که منجر به سیادت و اعتلای اسلام و مسلمین شد تا آخرین لحظات حیات پر برکت‌شان ادامه داشت. نگرانی از آینده امتی که برای به سرانجام رساندن آن سال‌ها کوشش کرده بودند در واپسین لحظات در وصیت‌های ایشان نسبت به حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام و عمل به شریعت، سفارش به مراقبت از دو امانت گرانبها، قرآن و اهل بیت، و مراعات حال یاران باوفایشان، انصار، نشان از آینده‌نگری و دغدغه‌های ایشان باتوجه به شناختی که از امت داشتند دارد.

نتیجه‌گیری

۵۵ بیان منش و کنش پیامبر اسلام مطابق با اصول و ارزش‌های الهی و اجرای امور با ملاک شرع به دلیل گستردگی و شمول آموزه‌های اسلامی در تمامی ابعاد زندگی، و به تبع وسعت حوزه فعالیت‌های نبی اکرم در کلیه امور جزئی و کلی با شرح احوالات آن بزرگوار، پیش و پس از بعثت، همچنین بیان آداب فردی و اجتماعی ایشان، از همان دوره صدر اسلام به سبب انحصار آن ویژگی‌ها به شخص پیامبر، مورد توجه قرار گرفته و راویان و محدثان را برآن داشت تا به نقل دیده‌ها و شنیده‌ها بپردازند. لذا افرادی، از جمله شمار زیادی از صحابی، تابعین و پس از آن سیره‌نویسان و محققین تاکنون، و البته با رویکردهای متفاوت، به جمع‌آوری مطالب پرداخته و تحت عنوان سیره‌النبی، آن را به نسل‌های بعد از خود رساندند؛ اما همچنان نگارش سیره به لحاظ اهمیت و امکان تطابق آن با همه اعصار، نیازمند مطالعه، بررسی و بازنویسی است. از این‌رو باتوجه به هدف این پژوهش، منطبق با عنوان آن، یعنی نظریه نظم اجتماعی تالکوت پارسونز و تطابق آن با نظم در سیره مدیریتی پیامبر اکرم، ضمن مروری اجمالی بر تعریف نظم و نقش، اهمیت و میزان پایبندی پیامبر فراتر از نظم در سیره فردی، به بررسی نظم در سیره اجتماعی ایشان پرداخته شد؛ علاوه بر این مبحث مدیریت و نقش مدیر، به سبب تأکید و التزام به این مفهوم در اندیشه اسلامی، به ویژه در راستای برقراری نظم اجتماعی از منظر بزرگان شرح داده شد و میزان تطابق آن دو مقوله با نظریه اندیشمندان غربی عصر حاضر به ویژه تالکوت پارسونز مورد ارزیابی قرار گرفت. مطابق آنچه در تعریف نظم آمد، اجرا و اعمال

نظم در زندگی فردی و به ویژه در اجتماع نیازمند تبعیت از یک ایدئولوژی، آرمان و دوراندیشی است که به بینش و کنش فرد یا افراد جهت داده و روشنگر مسیر تا رسیدن به هدف می‌باشد، بنابراین نسبت به بزرگی و اهمیت هدف نهایی تلاشی که در این زمینه صورت می‌گیرد، لزوم پیروی از مجموعه‌ای از راهکارها را می‌طلبد که توسط فرد یا افرادی قابل و مورد اطمینان در طول مسیر به جهت کسب اطمینان از همسویی اعمال و اهداف، پس از تبیین آن برای تمامی اعضاء مجموعه، مورد نظارت قرار گرفته، معایب و محاسن آن پس از مطالعه رفع و یا تقویت می‌شوند. این امر با حضور مدیری آگاه که خود پایبند به بایسته‌هاست ضمن تشریح و نظارت بر امور امکانپذیر است. از مجموع آنچه بیان شد پس از ذکر احوالات سرزمین عربستان، و مردمان آن دیار، سپس توصیف منش و کنش فردی و اجتماعی نبی اکرم در مراحل و موقعیت‌های مختلف، در کنار فراهم آوردن تعریف "نظم" و "مدیریت"، سپس بیان شرایط و چگونگی دستیابی به "نظم اجتماعی"، اینگونه استنتاج می‌شود که خاتم پیامبران بامبنا قرار دادن یک ایدئولوژی "مذهب" یعنی اصل توحید و دعوت به پرستش پروردگار یگانه، و پایبندی به آن در تمامی شئون، نیز تلاش برای همراه کردن افراد، به منظور رسیدن به وحدت و یکپارچگی، از طریق نهادهای کردن ارزش‌های والا در دل‌هاشان، سوای آنچه تاکنون میان‌شان مرسوم بود، توانستند با تلاش شبانه‌روزی امیال و اهداف فردی و قبیله‌ای را با اهداف جامعه و در راستای تحقق آرمان‌های آن همسو نموده، و گامی بزرگ در جهت تغییر در شیوه زندگی و آداب افراد ایجاد کنند. حاصل آنکه، آن بزرگوار توفیق یافتند آنچه را که پیش از آن مایه مباهات و همچنین دلیل منازعات برای اثبات برتری و تفاخرهای قبیله‌ای، گروهی یا فردی بر دیگری بود را با وحدت، گذشت و دوری از ضدارزش‌ها جایگزین نمایند. اینگونه بود که جامعه مدینه با مدیریت ایشان شکل گرفت، بالید و نیرومند شد، و تازه مسلمانان را قادر ساخت تا کوتاه زمانی پس از دوره‌های طاقت‌فرسای شکنجه، ترس و تهدید، صاحب قدرت و نفوذ شوند. تازه مسلمانان از خانه‌ای دور از شهر، که در آن مخفیانه و با بهره‌گیری از سیاهی شب به تعلیم مبانی دین می‌پرداختند و افرادی مستعد را با آئین اسلام آشنا می‌کردند، بیرون آمده، با رایزنی‌های رهبر خود در ایام حج با اهالی یثرب، به صورت انفرادی و رعایت جوانب احتیاط به سبب مصون ماندن از تعقیب و آزار مشرکین و با پشت سر نهادن هر آنچه در دیار خود داشتند، به آن سرزمین پناه برده، با یاری انصار اسکان یافتند و سرانجام با دوراندیشی و رعایت تدابیر لازم نه تنها بر تهدیدها از ناحیه دشمنان فائق آمده بلکه، تنها در بازه زمانی کمتر از ۱۰ سال قدرت یافتند مکه را بدون درگیری فتح نموده، سپس با اقتدار ندای اسلام را به گوش جهانیان برسانند.

فهرست منابع

- ۱- نهج البلاغه.
- ۲- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳- ابن‌ادریس، عبدالله (۱۳۹۲)، جامعه مدینه در عصر نبوی (ص)، مترجم: شهلا بختیاری، چ ۳، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- ابن‌جوزی، سبط (۱۳۷۹)، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، مترجم: محمدرضا عطائی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۵- ابن‌خلدون (الف)، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، العبر تاریخ ابن‌خلدون، مترجم: عبدالمحمد آیتی، چ ۱، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۶- ابن‌خلدون (ب)، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، مقدمه ابن‌خلدون، مترجم: محمد پروین گنابادی، چ ۸، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷- ابن‌هشام، عبیداله (۱۳۷۵)، زندگانی محمد پیامبر اسلام، مترجم: سیدهاشم رسولی، چ ۵، تهران: انتشارات کتابچی.
- ۸- الویری، محسن (۱۳۸۷)، «شیوه‌های فرهنگی ارتباطی پیامبر در عهد مکی»، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲۱.
- ۹- بی‌نا (۱۳۸۵)، «سیره مدیریتی پیامبر (ص)»، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ش ۴۳-۴۴.
- ۱۰- بی‌نا (۱۳۸۶)، «آراستگی ظاهر»، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ش ۱۳.
- ۱۱- بیهقی، ابوبکر (۱۳۶۱)، دلائل النبوه، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، تاریخ سیاسی اسلام: سیره رسول خدا، قم: انتشارات دلیل ما.
- ۱۳- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸)، تاریخ صدر اسلام؛ عصر نبوت، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- شیخیان، علی (۱۳۸۷)، «نظم و انضباط»، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان <https://library.tebyan.net>
- ۱۵- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، مترجم: ابوالقاسم پاینده، چ ۵، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۶- عسکری، سیدمرتضی (۱۳۹۴)، سقیفه؛ بررسی نحوه شکل‌گیری حکومت پس از رحلت پیامبر، چ ۵، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
- ۱۷- علامه طباطبایی (بی‌تا)، آداب سنن و روش رفتاری پیامبر اسلام، مترجم: حسین استاد ولی، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- ۱۸- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۶)، منتهی الآمال، چ ۲، تهران: انتشارات پیام آزادی.

- ۱۹- کتانی، عبدالحی (۱۳۸۴)، *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*، مترجم: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم: انتشارات سمت.
- ۲۰- لطفی، میثم (۱۳۸۹)، «انضباط تعالی بخش کارکنان؛ رویکردی اسلامی به مفهوم انضباط در سازمان»، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، س ۴، ش ۱.
- ۲۱- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۲)، *اثبات الوصیه*، مترجم: محمدجواد نجفی، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۲۲- محبوبی منش، حسین (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی ارزش‌ها (با تأکید بر نظم و امنیت)*، تهران: دانشگاه علوم نظامی.
- ۲۳- مقتدایی، زینب (۱۳۹۳)، «بررسی آثار و اندیشه‌های جامعه‌شناس آمریکایی تالکوت پارسونز»، *نشریه راسخون*.
- ۲۴- مقدسی، مطهرین طاهر (۱۳۷۴)، *آفرینش و تاریخ*، مترجم: محمدرضا شفیعی کدکنی، چ ۱، تهران: نشر آگه.
- ۲۵- واقدی، محمدبن عمر (۱۳۶۹)، *مغازی تاریخ جنگ‌های پیامبر(ص)*، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، چ ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۶- یعقوبی، احمد (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، مترجم: محمدابراهیم آیتی، چ ۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۷- یوسفزاده، حسن (۱۳۸۵)، «نظم اجتماعی در اسلام»، *نشریه معرفت*، س ۱۵، ش ۴.